

بازگشت و احیای دیگر در عهد جدید و قرآن مجید

محمد کاوه^۱

چکیده

اعتقاد غالب جامعه مسیحیان و شیعیان، به بازگشت و احیای دوباره مردگان در آخرالزمان است. پیدایش و بالندگی موضوع در بستر تاریخ دارای فراز و فرود عقیدتی و سیاسی بوده است. عهد جدید و قرآن مجید این موضوع را چگونه بیان داشته‌اند؟ این موضوع به لحاظ وقوعی، نوعی همسانی با تناسخ و نفی رستاخیز تلقی شده است. از نظر زمانی مرتبط با ظهور منجی جهانی و امامت مهدی موعود است.

در بایستگی موضوع می‌توان به زمینه رفع موانع وحدت ادیان، زمینه سازی و آمادگی برای ظهور منجی و پاسخی به شبهات یکسان‌انگاری آن با مسأله معاد دانست. روش تحقیق، بر فرض اعتبار سندی هر دو کتاب، استخراج فقرات عهد جدید و آیات قرآن مجید، تمسک به حجیت ظواهر کتاب، سپس توصیف و تحلیل کیفی آنهاست.

نتایج پژوهش از نزدیکی دیدگاه‌های دو کتاب در جایگاه موضوع، دلایل نقلی، اهداف تربیتی، بالندگی و ادبار موضوع دارند. با این وجود دارای تفاوت‌هایی‌اند. هم‌چنین دلایل قرآنی و استدلال عقلی معاضدت بر روایات این باب دارند.

واژگان کلیدی

بازگشت، بدن عنصری، عهد جدید، اعتقادنامه و قرآن مجید.

۱. دانشیار، گروه معارف اسلامی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: Kave41@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۱۰/۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۷/۱۰

طرح مسأله

بازگشت و احیای دوباره برخی مردگان با بدن عنصری در دنیا از مشترکات اعتقادی گروهی از مسلمانان، مذهب شیعه و مورد اتفاق جامعه مسیحی است (ادی، ۱۹۷۳: ۲۴۲/۷). علاوه بر این اعتقاد به بازگشت دوباره حضرت عیسی در آخرالزمان وجود دارد. این موضوع از نظر متون مرجع و معتبر نزد پیروان آنها، اهداف سیاسی و تربیتی در خور توجه و بررسی است. لذا مراجعه به منابع اصلی و معتبر با استفاده از حجیت ظهور الفاظ بر معانی - اعتنای عرف جامعه و عقلای عالم بر تمسک به ظاهر الفاظ و حجیت ظواهر الفاظ از نظر منطقی درست است - امری عقلی و ضروری است.

سؤال اصلی تحقیق عبارت است از:

بازگشت و احیای دوباره در عهد جدید و قرآن مجید چگونه است؟

پرسشهای فرعی:

الف: بازگشت و احیای دوباره در قرآن مجید چگونه بیان شده است؟

ب: بازگشت و احیای دوباره در کتاب عهد جدید چگونه نقل شده است؟

ج: اهداف بازگشت و احیای دوباره در دو کتاب چیست؟

د: شباهت و تفاوت‌های در دو کتاب چیست؟

روش تحقیق در مرحله اول استخراج و جمع آوری موارد مشخص از منابع، استناد به

ظواهر الفاظ متون و در ادامه تحلیل کیفی هر کدام است

در این خصوص برخی کتاب‌ها و مقالات نوشته شده است. به عنوان نمونه:

- کتاب رجعت، علامه محمد باقر مجلسی، تحقیق سید حسن موسوی، انتشارات دلیل

ما، بهار ۱۳۸۲.

- رجعت از نظر شیعه، شیخ نجم الدین طبری، انتشارات دلیل ما، زمستان ۱۳۸۹.

- بازگشت نگاهی به مبحث رجعت، سید مجتبی حسینی، نیستان، ۱۳۹۳.

و مقالات:

- تحلیل سندی اندیشه رجعت در روایات امام باقر و رد توهم تحریف در آراء محدث

نوری در روایت مربوط به آیه ۲۴ سوره نحل، لیلا ابراهیمی و سید محمد نقیب، مهدویت،

شماره ۴۲، سال یازدهم، پاییز ۱۴۰۱.

- جایگاه عیسی در آخرالزمان باوری و منجی باوری مسلمانان، اسدالله آژیر، پژوهش‌های فلسفی کلامی، ش ۲۲ و ۲۳، اسفند ۱۳۸۳.
- ابهام‌ها ایمان مرا سست نکرد (ارزیابی وثاقت تاریخی رستاخیز مسیح)، جان هیک، نظر، سال چهارم، شماره ۳ و ۴، پاییز ۱۳۸۵.
- مبانی آموزه بازگشت مسیح در کتاب مقدس، اثر جواد قاسمی قمی، مشرق موعود، سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۸۸.
- پیشگویی رجعت در آخرالزمان در تورات، انجیل و قرآن، اثر رضا برنجکار و محمد مقداد امیری، مجله فلسفه دین، سال هفتم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۸۹.
- نقش مسیح در دولت امام مهدی (عج)، مجید یعقوب زاده، پژوهش‌های حدیثی، ش ۱۷، ۱۳۹۸.

اما ویژگی مقاله حاضر در استفاده از مجموعه کتاب‌های عهدجدید، استفاده از حجیت دلالت ظواهر الفاظ متون مقدس بر معانیشان، هم‌چنین استفاده از اصول دو اعتقاد نامه مهم مسیحیان، بیان اهداف سیاسی، تربیتی موضوع و مقایسه موضوع در هر دو دین است.

در اهمیت موضوع می‌توان به رفع موانع و ایجاد زمینه وحدت بین پیروان ادیان، آماده سازی حکومت الهی، صلح جهانی و طرد اتهام تناسخ و بعضی شبهات مخالفان آن اشاره کرد.

مفهوم شناسی

در بررسی لغوی ماده «ر، ج، ع» به فتح راء، از سوی اولین لغت شناسان عربی تا متاخرین آنها بدست می‌آید که رجعت به معنای یک بار بازگشتن به مکان و حالت در دنیا است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۱۹۳۵/۸، فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۲۵/۱، راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۴۲، ابن منظور ۱۴۱۴: ۱۱۴/۸، فیومی، ۱۴۱۴: ۲۲۰/۲، قرشی بنایی، ۱۴۱۲: ۵۶/۳). در قرآن مجید از این معنای رجعت در نقل رجعت امت‌های گذشته استفاده شده است. لغت رجعت مترادف به لغت «کره»، «رد» و «ایاب» در منابع ادعیه و منابع دینی آمده است (ابن منظور، همان).

طریحی در توضیح لغت رَجعت نوشته است: بازگشت پس از مرگ قبل و پس از ظهور حضرت مهدی (ع) است (طریحی: ۱۳۶۲: ۳۳۴/۴).

رَجعت از نظر اصطلاحی متکلمان شیعه به معنای بازگشت دو باره عده‌ای از خواص مؤمنان و کفار به بدن عنصری و خاکی با همان قیافه و صفاتی که در دنیا - با توجه موارد کاربرد آن در قرآن مجید - داشته‌اند، بعد از قیام حضرت مهدی (ع) و قبل از قیامت کبری است.

سید مرتضی علم الهدی (ق. ۴۳۶) و طبرسی (۵۴۸ ق) زمان رَجعت را پس از قیام مهدی موعود اعلام داشته‌اند.^۱ (شریف مرتضی، ۱۴۰۵: ۱/ ۱۲۵ و طبرسی، ۱۳۷۲: ۷/ ۳۶۷).

علامه طباطبایی در قرآن ذیل آیه « قالوا تلک اذا کره خاسره » (نازعات/ ۱۲) کلمه کره را به معنای برگشتن بعد از مرگ بسوی دنیا می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰/ ۱۹۴).

در عهد جدید Parousia «پاروسیا» کلمه‌ای یونانی به دو معنای «آمدن» و «حضور» است. پاروسیا در ترجمه فارسی فقرات عهد جدید، به معنی بازگشت عیسی (ع) به کار برده شده است. از نظر اصطلاحی در یک گونه تفسیر که حاکم بر اناجیل هم‌نواست، به معنای ظهور مرئی مجدد شکوهمندان مسیح در دنیاست تا در مورد «زندگان و مردگان» دوری و سلطنت خداوند را پایه‌گذاری کند (آستین هاروی، ۱۳۹۰: ۱۸۲).

البته پروتستان‌ها در این موضوع هم عقیده نیستند. هنری تیسن متکلم پروتستانی نوشته: رَجعت مسیح کلید کتاب مقدس است و بدون آن درک صحیحی از تعالیم و آیین مقدس و وعده‌های آن نخواهد بود..... در آیات زیادی مسیحیان تشویق شده‌اند که برای بازگشت مسیح آماده باشند (هنری تیسن، بی تا: ۳۲۸-۳۲۷).

اما جان هیک علی رغم قبول عید پاک - مهم‌ترین عید دینی به مناسبت بر خاستن عیسی بعد از مردن در روی صلیب است - به بازگشت جسمانی اول مسیح از قبر، یقین

۱. سید مرتضی: ان الذی تذهب الشیعه الامامیه الیه تعالی یعید عند ظهور امام الزمان المهدی (ع) قوما ممّن کان قد تقدّم موته من شیعتہ لیفوزوا بثواب نصرته و معونته و مشاهده دولته و یعید ایضا قوما من اعدائه لیتقم منهم . طبرسی: ان الله تعالی سيعيد عند قيام المهدی قوما ممّن تقدم موتهم من اولیائهم و شیعتهم لیفوزوا بثواب نصرته و معونته و یتهجوا بظهور دولته و یعید ایضا قوما من اعدائه لیتقم منهم و ینالوا بعض ما یتحونه من العذاب فی القتل علی ایدی شیعتهم.

ندارند (جان هیک، ۹۳/۱۳۸۵).

این آموزه در مذهب پروتستان لیبرال، از زمان پیدایش نقادی کتاب مقدس، محو شده است (آستین هاروی، ۱۳۹۰: ۱۸۳).

خلاصه این که این عقیده در مسیحیت از قرن سوم میلادی-زمان مسیحی شدن حکومت- تا قرون اخیر مورد غفلت بوده است. و دوباره مورد تأکید سران سیاسی و مذهبی مسیحیت به اسم الهیات امید بخش قرار گرفته است.

الف) جایگاه بازگشت و احیای دوباره در قرآن

با توجه به تعریف رجعت اصطلاحی، جایگاه آن در مذهب تشیع، به دلالت آیات و روایات از ضروریات مذهب شیعه است (طریحی، ۱۳۶۲: ۴/۳۳۴) و با چندین جنبه مهم پیوند دارد. به عنوان نمونه:

- وارث زمین؛ منجی موعود وارث زمین خواهد شد و یاران او صالحان هستند» و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر آن الارض یرثها عباد الصالحون» (انبیاء/ ۱۰۵). منظور از «ارض» همین زمین دنیاست و بخشی از «عباد صالح»، مردگان و منتظران ظهور حضرت منجی هستند.

- از سویی دیگر در تحقق سلطنت الهی و حکومت صالحان «وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیلندلنهم من بعد خوفهم امنا یعبدوننی لایشرکون بی شیئا و... (نور/ ۵۵). خداوند به اهل ایمان خالص وعده جانشینی در زمین دنیا را داده است. اما برخی از اهل ایمان عمرشان تمام شده و از دنیا رفته‌اند، بنابر این قطعا برای تحقق وعده الهی قبل از قیامت، آنها با ظهور منجی خواهند آمد. و گرنه تخلف وعده صورت می‌گیرد. از خداوند و حکیم علی الاطلاق این موضوع قبیح و محال است.

- از سویی در برخی آیات بازگشت عده‌ای از طالحان به عنوان مقدمه رستاخیز و قیامت کبری است. و یوم نحشر من کل امه فوجا ممن یکذب بایتنا فهم یوزعون» (نمل/ ۸۳). ماده «حشر» با توجه به قرینه لفظیه، به معنای رجعت و قبل از قیامت است.

با توجه با مطالب بالا این موضوع در مذهب شیعه اجماعی، ضروری و از مختصات

است. و دلیل عقلی - عدم محذور عقلی مانند اجتماع نقیضین یا ارتفاع آن برای وقوع آن نیست - موافق با آنست. از اینرو برخی نوشته‌اند: «رجعت از امور ضروری است که در اخبار متواتر از سوی اهل بیت وارد شده است» (مظفر، ۱۴۲۹: ۸۳).

۱. الف) دلایل بازگشت و احیای دوبار در قرآن

قرآن به عنوان اولین منبع اعتقادی مسلمانان، موضوع بازگشت در آینده و قبل از قیامت را در قالب ماده «حشر»، «رجع» و غیره.. پیشگویی کرده که مصداق آن قیامت کبری نیست. به عنوان نمونه:

۱.۱. الف) «و یوم نحشر من کل امه فوجا ممن یکذبّ بابتنا فهم یوزعون» یاد کن روزی را که از هر امتی، گروهی از کسانی که آیات ما را دروغ انگشتاند بر می‌انگیزیم پس آن‌ها نگه داشته می‌شوند (نمل / ۸۳). حرف «من» در آیه شریفه «من بعضیّه» است. یعنی روزی که از هر امتی بعضی از کسانی که آیات ما را تکذیب می‌کردند، محشور می‌کنیم، پس آن‌ها نگه داشته می‌شوند (نمل / ۸۳). در این آیه برای «حشر» به لحاظ عقلی سه حالت متصور است.

یک: قبل از قیامت؛ دو: خود روز قیامت و سه: بعد از قیامت است. پر واضح است که احتمالات دوم و سوم «حشر» یعنی خود «قیامت» و بعد از «قیامت» معقول نیست. زیرا طبق بیان صریح قرآن مجید، حشر در قیامت عمومی است «و حشر ناهم فلم نغادر منهم احدا» محشور می‌کنیم آن‌ها را، پس احدی از آنان را فرو نخواهیم گذاشت (کهف / ۴۷). و احتمال حشر بعد از قیامت، مفهومی ندارد. چون بعد از قیامت گروهی بهشتی و گروهی جهنمی می‌شوند «فریق فی الجنة و فریق فی السعیر» گروهی به بهشت در می‌آیند و گروهی وارد آتش فروزان دوزخ می‌شوند (شوری / ۷).

بنابراین از میان احتمالات عقلی سه گانه در آیه تنها «حشر» برخی از انسانها قبل از قیامت مصداق دارد و معقول است. علامه طباطبایی همین احتمال اخیر را پذیرفته است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۹۸/۱۵).

البته آیه دیگری مشابه این آیه در قرآن مجید است با این تفاوت که در آن غایت حشر «آتش» ذکر شده است. و آن آیه مربوط به حشر در قیامت می‌شود «و یوم یحشر اعداء الله

الی النار فهم یوزعون» به یاد کن روزی را که دشمنان خداوند گردآوری شده و به سوی آتش رانده شوند؛ پس در این کوچ، گروه‌های اول از حرکت باز داشته می‌شوند (فصلت/ ۱۹).

۱.۲. الف) حرام بودن بازگشت اقوام گناهکاری که هلاک شدند. «حرام علی قریه اهلکنها انهم لا یرجعون» بازگشت مردم سرزمینی که آنها را نابود کرده‌ایم به دنیا ناشدنی است (انبیاء/ ۹۵). چرا اقوام مانند قوم نوح، لوط و... به دنیا باز نمی‌گردند؟ زیرا آنها عذاب الهی را دریافت کردند. اما کافرانی که به مرگ طبیعی از دنیا رفته‌اند، و عذاب دریافت نکرده‌اند دو حالت برایشان متصور دارد. یکی عذاب در دنیا و دیگری عذاب در آخرت. بازگشت آنها در آخرت برای مجازات و عذاب حتمی است. اما عذاب گناهکاران در دنیا نه تنها حرام نیست، بلکه ممکن و خداوند فرموده است «و ان یتولوا یعذبهم الله عذابا الیما فی الدنیا و الاخره» و اگر از توبه رو گردان شوند، خداوند در دنیا و آخرت به عذابی دردناک عذابشان خواهد کرد (توبه/ ۷۴).

به بیان دیگر اگر چه خداوند در آیه ۹۵ از سوره انبیاء، فرموده است اقوام هلاک شده بر نمی‌گردند. اما به قول حکما اثبات شیء نفی ما عدا نمی‌کند. کافران در دنیا امکان دچار عذاب الهی را خواهند داشت.

علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود آیه بالا را از حیث دلالت بر رجعت، مهمترین آیه می‌داند. زیرا مورد انکار هیچ مسلمانی قرار نمی‌گیرد (قمی، ۱۳۶۳: ۷۶/۲).

۱.۳. الف) قرآن مجید مرگ عیسی بوسیله «قتل» و «به دار آویخته شدن»، را در زمان خودش، به صورت صریح منکر می‌شود «و ما قتلوه و ما صلبوه» و در ادامه مرگ او را در آینده بیان می‌کند: «وَ اِنْ مِنْ اَهْلِ الْكِتَابِ اِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهٖ قَبْلَ مَوْتِهٖ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا؛ و هیچ کس از اهل کتاب نیست مگر این که به حضرت عیسی (ع) پیش از آن که او بمیرد، ایمان می‌آورد و حضرت عیسی در قیامت علیه آنها شاهد است (نساء/ ۱۵۹). بنابراین ایمان صحیح به حضرت عیسی - نه به عنوان پسر خداوند - و مرگ حضرت عیسی در آینده و قبل از برپایی قیامت واقع می‌شود. بنابراین حضرت عیسی از جمله کسانی است که به دنیا قبل از قیامت برگشت دارد.

شاید گفته شود طبق بیان قرآن مجید حضرت عیسی که نمرده است تا لفظ بازگشت برای او صحیح باشد؟ در پاسخ گویم چون همهٔ مردگان روحشان بسوی خدا بازگشت دارند، و خداوند در مورد او فرمود «بل رفعه الیه» او را به لحاظ جسمی و روحی بسوی خود بالا برد (همان/۱۵۸) پس بکار بردن بازگشت در مورد حضرت عیسی صحیح است. در انجیل برنابا عدم تصلیب عیسی نیز آمده است «پس همین که خدا بر بندهٔ خود خطر دید جبرائیل، میخائیل، رفائیل و اوریل، سفیران خویش را امر فرموده که یسوع - نام عیسی به عبری است - را از جهان بر گیرند. پس آن فرشتگان پاک آمدند و یسوع را از روزنه‌ای که مشرف بر جنوب بود بر گرفتند (برنابا، فصل ۲۱۵، فقرات ۴-۵).

مسیحی غنوصی به نام والتین در سال ۱۴۰ م. مطرح کرد عیسی روی صلیب درد نکشید، بلکه شخصی به نام شمعون قیروانی مجبور شد صلیب او را حمل کند و همین شمعون قیروانی بود که از روی جهل و خطا مصلوب شد، زیرا عیسی وی را به شکل خود در آورده بود (اف، ئی، پیترز، ۱۳۸۴: ۲۳۸/۱).

علامه طباطبایی نوشته است: روایات درباره نزول عیسی (ع) در هنگام ظهور مهدی از طرق اهل سنت و شیعه از پیامبر و ائمه اهل بیت (ع) مستفیض و مشهور است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۴۶/۵).

۱.۴ الف) کلمه الساعه؛ پیامبر اکرم (ص) خود را قرین قیامت معرفی می‌فرمود: «أنا و الساعه کهاتین» من و قیامت، همانند این دو انگشت قرین هستیم (مجلسی، ۱۹۸۳: ۲۶۳/۲). علامه طباطبایی نوشته است: در عرف قرآن و هم‌چنین در لسان شرع، لفظ «ساعه» در معنای قیامت حقیقت شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴۸۲/۸).

خداوند در قرآن حضرت عیسی (ع) را با توجه به نحوه خلقت او - دال بر قدرت نامحدود الهی - و افعال عیسی - دال بر مرده زنده کردن - نشانه روز قیامت اعلام کرده است «و انه لعلم الساعه فلا تمترون بها» و به راستی عیسی پسر مریم از آن روی که بدون پدر آفریده شد و مردگان را زنده می‌کرد، نشانه‌ای برای تحقق رستاخیز است (زخرف/۶۱).

از این رو با توجه به تعریف اصطلاحی «بازگشت» می‌توان نتیجه گرفت که دلالت

آیات بر موضوع «رجعت»، «نشانه بودن عیسی» برای قیامت، آیات مربوط به وارت زمین و ظهور منجی قبل از قیامت کبری یک پیوند و ارتباطی با همدیگر در ظهور بعضی حقایق و رخداد آخرالزمان در دنیا مانند: احیاء برخی صالحان و بیشتر شدن عابدین و عبادت خالصانه خداوند، کم شدن فساد و.. با هم دارند.

علامه طباطبایی در چند جای تفسیر خود چنین نوشته‌اند: روایاتی که از ائمه معصومین در تفسیر بسیاری از آیات آمده یا فرموده‌اند: مربوط به قیامت است. و یا فرموده‌اند مربوط به رجعت است، و یا فرموده‌اند مربوط به ظهور مهدی است. این نیست مگر به خاطر وحدت و سنخیتی که در این سه معناست (طباطبایی: ۱۳۹۰: ۲/ ۱۰۶ و ۱۷۵/۱۲).

اما این که چرا این سه موضوع با هم پیوند دارند؟ وی نوشته است: روز رجعت خود یکی از مراتب روز قیامت است، هر چند که از نظر ظهور به روز قیامت نمی‌رسد، چون در روز رجعت باز شر و فساد تا اندازه‌ای امکان دارد، به خلاف روز قیامت که اثری از شر و فساد نمی‌ماند (همان، ۱۰۹).

۱.۵. الف) قرآن مجید در آیات متعددی - بقره/ ۵۶- ۵۵، بقره ۲۴۲ و... حکایت از رجعت در گذشته دارد. از طرفی قرآن مجید به تکرار سنت الهی و نفی ابدی از عدم تبدیل سنت را دارد «سنه الله فی الذین خلوا من قبل و لن تجد لسنه الله تبدیلاً» سنتی که خدا آن را در میان کسانی که پیش از شما در گذشته‌اند جاری ساخته است و هرگز در سنت خدا تغییر و دگرگونی نخواهی یافت (احزاب/ ۶۲، فاطر/ ۴۳، اسراء/ ۷۷ و فتح/ ۲۲). کلمه تبدیل به معنای دگرگونی است (جوادی آملی، ۱۳۸۴/۳۴۴).

اما چرا تبدیل در سنت الهی صورت نمی‌گیرد؟ زیرا قوانین خداوند هم بهترین قانون و هم دقیق‌ترین قانون بر صراط مستقیم است. از این رو همانطور که قرآن گزارش از بازگشت اموات در گذشته داده است، پیشگویی از بازگشت اموات در آینده نیز امکان دارد.

علامه طباطبایی در تفسیر خود نوشته است: آیات دیگری از قرآن دلالت اجمالی بر وقوع رجعت دارد مانند: «ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لما یأتکم مثل الذین خلوا من قبلکم» (بقره/ ۲۴۱)، آین آیات می‌فهماند آنچه در امت‌های گذشته رخ داده، در این امت

نیز رخ خواهد داد. و یکی از آن وقایع مسأله رجعت و زنده شدن مردگان است که در زمان ابراهیم، موسی، و عیسی و عزیر و ارمیا و غیر ایشان اتفاق افتاده (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲/۱۰۸).

۲. الف) اهداف بازگشت و احیای دوباره

با توجه به تعریف اصطلاحی بازگشت، رجعت‌های صورت گرفته در قرآن و سنت غیر قابل تغییر الهی می‌توان به اهداف آن در قرآن مجید اشاره کرد. البته هر کدام ممکن است چندین مورد را در بر داشته باشد، که به آنها اشاره می‌گردد.

۱. نمایش قدرت مطلق الهی است. همانطور که هم برای حضرت عزیر و هم قومش به صورت حس ظاهری قابل مشاهده بود «فانظر الی طعامک و شرابکم یتسننه و انظر الی حمارک اعلم ان الله علی کل شیء قدير» به خوراک و نوشیدنی خود بنگر که در این مدت دگرگون نشده است؛ به الاغ خود بنگر که به استخوان‌هایی چند تبدیل شده است ما تو را میراندیم و پس از صد سال به تو حیات بخشیدیم تا آنچه باید تحقق یابد و تا تو را برای مردم نشانه‌ای قرار دهیم (بقره/۲۵۹). در این آیه حیات مجدد حضرت عزیر (ع) برای قومش، برای حضرت عزیر تازه دیدن غذا خود و تبدیل استخوان‌های پوشیده الاغش به شکل اول همگی نمایش قدرت مطلق خداست.

۲. یاری مؤمنان مستضعف و کمک به تشکیل حکومت جهانی صالحان تاکنون به صورت کامل محقق نشده است؛ در حالی که اراده لایتحلف الهی هنوز محقق نشده است «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» ما می‌خواستیم کسانی را که در زمین به استضعاف کشیده شده بودند نعمتی گرانسنگ عطا کنیم، آنان را پیشوایی قرار دهیم که از ایشان پیروی شود (قصص/۵).

هم‌چنین در قرآن مجید آمده است «وعد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم» خداوند به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که آنان را در زمین جانشین امت‌های شایسته گذشته کند. چنان که شایستگان امت‌های پیشین را در زمین جانشین دیگران قرار داد (نور/۵۵).

۳. دیدن عدالت در همین دنیا و انتقام از قابیلیان تاریخ در رسیدگی به جنایات و تظلمات است. اگر دنیا بدون عدالت خاتمه بگیرد، عدالت با ظلم مساوی می‌شود. این حالت ناموزون است و با نظام احسن سازگار نیست و خلقت دنیا ابتر خواهد بود. در حالی که عقل سلیم کار ابتر از حکیم علی‌الاطلاق را نمی‌پذیرد.

۴. ایجاد بستر جهان شمولی اسلام. آراء بیشتر مفسران قرآن از آیه ۱۵۹ سوره نساء این است که آیه مربوط به حضرت عیسی (ع) است - صحیح بخاری، جلد ۲، ص ۲۵۶- و عیسی (ع) قبل از قیامت باز خواهد گشت. بازگشت او با توجه به گرایش وی به مهدی موعود و اسلام، تاثیرگذار بر ملت‌های غرب و غیر مسلمان به دین اسلام و موجب تحقق وعده الهی بر تسلط بر ادیان و موجب جهان‌شمولی آن خواهد شد « هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون » اوست کسی که پیامبرش محمد را با هدایت و دین حق به رسالت فرستاد تا آن را بر همه ادیان چیره کند هر چند مشرکان ناخشنود باشند (توبه/۳۳).

۵. نمایش رحمت بیکران الهی در اجابت آمال صالحان مبنی بر همنشینی با موعود جهانی است.

۶. تفکر و تقویت ایمان ضعیف مؤمنان مانند گاو بنی اسرائیل « فقلنا اضربوا ببعضها کذلک یحی الموتی و یریکم آیاته لعلکم تعقلون » پس گفتیم: بخشی از آن گاو ذبح شده را بر مقتول بزیند تا زنده شود، بدین سان خداوند مردگان را زنده می‌کند و آیات خود را به شما نشان می‌دهد، باشد که بیندیشید (بقره/۷۳).

۷. شکرگزاری، از جمله آیاتی که دلالت بر امکان بازگشت قبل از قیامت دارد، شکرگزاری است مانند « و اذا قلتُم یا موسیٰ لن نؤمن لک حتیٰ نری الله جهره فاخذتکم الصاعقه و انتم تنظرون ثم بعثناکم من بعد موتکم لعلکم تشکرون » هنگامی که گفتید: ای موسیٰ هرگز سخن تو را نمی‌پذیریم تا این که خدا را آشکارا به چشم خود ببینیم و تأیید تورات را از او بشنویم. پس به سزای این سخنان صاعقه شما را فرو گرفت در حالی که نظاره می‌کردید، سپس شما را پس از مرگتان برانگیختیم، باشد که سپاسگزاری کنید (بقره/۵۶-۵۵).

هم‌چنین آیه «ثم بعثناكم من بعد موتكم لعلكم تشكرون» (بقره/۵۶). از عبارت «تشكرون» متوجه می‌شویم منظور از بعث، بازگشت دوباره به دنیا قبل از قیامت است. زیرا شکرگزاری و کفران مقابل هم‌اند. «شکر» اعتراف به نعمت برای تجلیل و تعظیم از منعم و کفران، چشم‌پوشی و فراموشی نعمت الهی در دنیاست.

۸. ادامه حیات برخی مردگان؛ در داستانهای قرآن، یکی از اهداف بازگشت مردگان، ادامه حیات دنیوی است. مانند: «الم تر الى الذين خرجوا من ديارهم وهم الوف حذر الموت فقال لهم موتوا ثم احياهم ان الله لذو فضل على الناس ولكن اكثر الناس لایشكرون» (بقره/۲۴۳). در حالیکه خداوند می‌فرماید شهرهایی که در اثر گناه هلاک و نابوده شده‌اند به دنیا باز نمی‌گردند «و حرام علی قریه اهلکناها انهم لا یرجعون» (انبیاء/۹۵).

۹. تشریف و تسلاهی خاطر صالحان و اولیاء الهی با دیدن بخشی از عذاب ظالمان قبل از رستاخیز است. البته این موضوع با رستاخیز تنافی ندارد، همانطور که عذاب دست‌جمعی اقوام گذشته یا اجرای مجازات دنیوی مانند قصاص و حدود با رستاخیز منافات ندارد. و دیگر این که «بازگشت آخرالزمانی» عمومی نیست و همه انسانها عذاب ظالمان را نمی‌بینند. هم‌چنین عذاب در «بازگشت آخرالزمانی» مقدمه‌ای و بخشی از عذاب شدید و دائمی آنها در رستاخیز است. «انما توفون اجورکم یوم القیامه» (آل عمران/۱۸۵). ماده «وفی» در لغت به معنای پرداخت و دریافت کامل است.

شیخ مفید (۴۱۳ق) می‌گوید: ان الله یرد قوما من الاموات الی الدنیا فی صورهم التی کانوا علیها فیعز فریقا و یدل فریقا و المحققین من المبطلین و المظلومین منهم من الظالمین و ذلک عند قیام مهدی آل محمد(ع)؛ به یقین خداوند گروهی از مردگان به صورت ذلیل و گروهی را به صورت عزیز با همان صورت و چهره‌ای که داشتند در هنگام ظهور مهدی به دنیا بر می‌گرداند (مفید، ۱۴۱۴: ۷۸-۷۷).

۱۰. تشویق و تربیت مؤمنان به شایستگی حضورشان در دیدن، زیستن و تحت فرمان و در رکاب منجی موعود، دین خداوند را یاری کنند. در زیارت جامعه کبیره از امام هادی(ع) آمده است که: مؤمن بایابکم، مصدق بر جعتکم، منتظر لامرکم، مرتقب لدولتکم. من به بازگشت زندگی شما در این جهان (پس از ظهور قائم) ایمان دارم،

رجعت شما را تصدیق می‌کنم و در انتظار فرمان و حکومت دولت شما هستم (مجلسی، ج ۱۰۲، ۱۳۱).

ب) جایگاه بازگشت و احیای دوباره در عهدجدید

آموزه بازگشت دوم عیسی در مسیحیت یکی از باورهای اساسی و مهم جامعه مسیحی است. زیرا هم مرتبط به آموزه های رستاخیز مردگان، داوری عیسی، حیات ابدی مسیحیان و تحقق ملکوت آسمان و حکومت آرمانی الهی است. ریشه این آموزه در دو منبع است که عبارت از:

الف) عهدجدید است. به عنوان نمونه « شما برای آمدن ناگهانی من همیشه آماده باشید تا غافلگیر نشوید» (متی ۲۴: ۴۲)، یا « مراقب باشید بازگشت ناگهانی من، شما را غافلگیر نکند... هر لحظه چشم به راه من باشید» (لوقا ۲۱: ۳۶-۳۴)، مرقس ۱۳: ۳۳-۳۲، نامه اول و دوم پولس به تسالونیکیان و... آمده است.

در عهدجدید عده‌ای از انبیاء عیسی (ع) را برای کمال اهداف سلطنت الهی همراهی می‌کنند. « شاگردان پرسیدند: چرا روحانیان یهود با اصرار می‌گویند که قبل از ظهور مسیح، الیاس نبی باید دوباره ظهور کند؟ عیسی جواب داد: حق با آنهاست الیاس باید بیاید و کارها را روبراه کند» (متی، ۱۶: ۱۱-۱۰).

ب) معروف‌ترین اعتقاد نامه‌های مسیحیان، در دو اعتقادنامه رسولان و نقیه- قسطنطنیه است، که نکات اصلی اعتقادات همه مسیحیان را به اجمال چنین بیان کرده است « عیسی در روز سوم از مردگان برخاست و به آسمان صعود کرد و برای داوری بر زندگان و مردگان باز خواهد گشت (مک‌گراث، ۱۳۸۴: ۵۷-۵۶).

۱. ب) دلایل بازگشت و احیای دوباره در عهدجدید

بر اساس دلالت صریح فقرات اناجیل هم‌اوا اولین بازگشت عیسی به دنیای مادی، سه روز بعد از به صلیب آویختن شدن بود. و دوباره به آسمان رفت (مرقس، ۱۶: ۹-۱۶ و لوقا ۲۴: ۵۰).

هم‌چنین بر اساس صراحت فقرات انجیل متی، عیسی برای بار دوم به دنیا باز خواهد

گشت و رجعت دوم رخ خواهد داد «سر انجام نشانه آمدن من در آسمان ظاهر خواهد شد. آنگاه مردم در سراسر جهان عزا خواهند گرفت و تمام مردم دنیا مرا خواهند دید که در میان ابرهای آسمان با قدرت و شکوه خیره کننده می‌آیم» (متی، ۳۰: ۲۴).

مضاف بر این‌ها در نامه‌های رسولان؛ نامه اول و دوم پولس به تسالونیکی از انتظار ظهور دوباره عیسی مسیح و حواریون عیسی نیز رخ می‌دهد «وقتی من در آن دنیای جدید بر تخت نشستم، شما شاگردان من نیز بر دوازده تخت نشسته، دوازده قبیله اسرائیل را داوری خواهید نمود (متی، ۱۹: ۲۸).

بنابر این دلیل بازگشت دوباره مسیح در آخرالزمان؛ دو وجه دارد.

وجه اول موضوع «معاد» است. در نامه اول پولس به قرنتیان آمده است «اما واقعیت اینست که مسیح پس از مرگ دوباره زنده شد، او نخستین فرد از میان کسانی است که در روز قیامت زنده خواهد شد (اول قرنتیان، ۱۵: ۲۰).

پولس بازگشت دوباره مردگان مسیحی را با بازگشت دوم مسیح مرتبط می‌داند. کورنتوس در رساله دوم خود نوشته است که پولس گفته است: الراقدون بیسوع سیحضرهم الله ایضا معه. یعنی آنان که در عیسی خفته‌اند، خدا ایشان را نیز با خود خواهد آورد (عبدالباری، ۲۰۰۴: ۱۴۶). پولس در این سخن بازگشت دوم مسیح را با توجه به آموزه عشای ربانی، مساوی قیامت اعلام داشته است. در صورتی که بین «بعث» و بازگشت روح به بدن با قیامت فرق است.

وجه دوم داوری عیسی است. در اعتقاد نامه رسولان - بند هفت: برای داوری بر زندگان و مردگان باز خواهد گشت - و دیگری در اعتقاد نامه نیقیه - شورای جهانی است که در سال ۳۲۵ م با ۳۱۸ اسقف همان بنده هفت اعتقاد نامه تصویب شد - بیان شده است.

۲. ب) شواهد فقرات عهد جدید بر رجعت

موارد متعددی از زنده کردن مردگان توسط حضرت عیسی (ع) و شاگردانش در عهد جدید گزارش شده است، گرچه جان هیک متآله مسیحی وثاقت این گزارشات را مخدوش می‌داند (مجله نظر، شماره ۳ و ۳، ۱۳۸۵)، اما به لحاظ رسمی بودن گزارشات عهد جدید بدان استناد می‌کنیم به عنوان نمونه:

۱.۲. ب. عیسی دختری را زنده کرد «سر پرست عبادتگاه گفت: دخترم الان فوت کرد ولی استدعا دارم بیایید و دستتان را بر او بگذارید تا زنده شود...» (متی، ۹: ۲۹-۱۸ و مرقس، ۵: ۴۲-۳۵) و پسری را زنده کرد (لوقا، ۷: ۱۵-۱۱).

- عیسی به شاگردان خود گفت: بیماران را شفا دهید، مرده‌ها را زنده کنید (همان، ۱۰).
- عیسی گفت: حتی مرده‌ها را نیز زنده خواهم ساخت همانگونه که خدا این کار را می‌کند (یوحنا، ۵: ۲۱).

- عیسی زنده می‌شود «فرشته به زنان گفت: نترسید! می‌دانم به دنبال عیسی مصلوب می‌گردید، او اینجا نیست! همانطور که خودش گفته بود، زنده شده است» (متی، ۲۸: ۶-۵).

بنابراین مطابق قاعده فوق زنده شدن دوباره مردگان در آخر الزمان در این دنیا قطعی است.

۳) اهداف احیای دوباره در عهدجدید

۱.۳. ب. رحمت بیکران الهی؛ بنیانگذار الهیات مسیحی، پولس نوشته است: هدف از بازگشت دوباره عیسی به دنیا در آخر الزمان را، تکمیل نجات - یکبار قربانی گناه شد - است «مسیح نیز چون یک بار قربانی شد تا گناهان بسیاری را رفع نماید، بار دیگر بدون گناه برای کسانی که منتظر او هستند ظاهر خواهد شد، به جهت نجات» (عبرانیان، ۹: ۲۸). این موضوع فرهنگ انتظار مسیح را در مؤمنان ایجاد می‌کند و با آمدن وی وارد بهشت خداوند می‌شوند.

۲.۳. ب. تربیت و تشویق به انتظار؛ «پس شما نیز چشم براه باشید، چون نمی‌دانید کی بر می‌گردم، سرشب، نیمه شب، سحر، یا صبح، مواظب باشید که وقتی می‌آیم، در خواب غفلت نباشید. باز هم می‌گویم چشم براه من باشید. اینست پیام من به شما و به همه» (مرقس، ۱۳: ۳۷-۳۵).

و هشدار به بی‌دینان «آنانی که از شناختن خدا و پذیرش خدا و پذیرش نقشه نجات از او توسط عیسی سر باز می‌زنند، به کیفر خواهد رسانید» (دوم تسالونیک، ۱: ۱۰-۸). این موضوعات در کلیسای اولیه به دلیل تبلیغ و علاقه رسولان به بازگشت دوباره

مسیح بسیار مورد توجه بوده است. اما با سیاسی شدن مسیحیت - کنستانتین مسیحی شد - این «کلید کتاب مقدس» - هنری تیسن - برای عدم درک صحیح و اجرای تعالیم فردی و اجتماعی الهی، کنار گذاشته شد. حضرت عیسی همواره انسانها را به تولد تازه برای ورود به حکومت آرمانی (ملکوت آسمان) دعوت می کرد (یوحنا، ۳: ۳).

۳.۳. ب. استقرار حکومت الهی؛ در مکاشفه یوحنا آمده است «آنگاه در آسمان صدایی بلند شنیدم که اعلام می کرد: «زمان نجات، قدرت، سلطنت خدا و حکومت بر حق مسیح رسیده است (مکاشفه، ۱۲: ۱۰).

در عهد جدید مدت حکومت مسیح هزار سال نوشته شده است. در خلال این مدت شیطان در اسارت است و بعد از آن برای چند لحظه آزاد گذاشته می شود، البته بعد از پایان این هزار سال، قیامت بعدی (دوم) رخ خواهد داد (مکاشفه، ۲۰: ۶-۲).

متکلم پروتستانی هنری تیسن در مورد این بخش از عبارات مکاشفه، معتقد است، منظور از قیامت اول و دوم جسمانی است. و در قیامت اول مؤمنان مسیحی و در قیامت دوم همه مردگان بازگشت دارند (تیسن، بی تا: ۳۳۵-۳۳۴ و ۳۶۷).

۴.۳. ب. گسترش عدالت «او بر اساس آنچه دیده یا شنیده می شود داوری نخواهد کرد، بلکه از حق فقرا و مظلومان دفاع خواهد کرد و از بد کارانی که ظلم می کنند، انتقام خواهد گرفت. او با عدالت و صداقت حکومت خواهد کرد، در آن زمان گرگ و بره کنار هم بسر خواهند برد، پلنگ و بزغاله با هم خواهند خوابید و... (اشعیا، ۱۱: ۷-۳).

ج) مقایسه بازگشت و احیای دوباره در عهد جدید و قرآن مجید

در مقایسه ابتدا به مشترکات به لحاظ نقشی که در وحدت ادیان دارند و سپس به اختلافات پرداخته می شود

۱. ج) مشترکات عهد جدید و قرآن مجید

۱.۱. ج. آموزه بازگشت و احیای دوباره مردگان از ضروریات مذهب شیعه و دین مسیحیت است. این اعتقاد مبتنی بر برخی آیات قرآن مجید به عنوان نمونه (نمل/ ۸۴) و در عهد جدید (متی، ۲۴: ۳۰) آمده است

- ۲.۱. ج. فرهنگ انتظار بازگشت، به لحاظ توجه در قرون اولیه مورد تبلیغ در بین مؤمنان بوده و از جایگاه خاص و ویژه برخوردار بود. اما به مرور زمان کم رنگ گشته است.
- ۳.۱. ج. آموزه بازگشت در برخی اهداف مانند نمایش رحمت بیکران الهی، تشویق و تربیت مؤمنان و.. مشترکند.
- ۴.۱. ج. زمان «بازگشت» به لحاظ تاریخ معلوم نیست ولی به لحاظ وقوع پس از ظهور منجی موعود و بدون اطلاع قبلی است (متی، ۲۴: ۵۱-۳۲).
- ۵.۱. ج. این بازگشت بنا بر اعتقاد نامه رسولان جسمانی و فیزیکی است (مک گراث، ۱۳۸۴: ۵۶). در قرآن نیز این گونه است (حج/۳، یس/۷۹ و نور/۲۴). لذا هر دو کتاب، تناسخ را قبول ندارند. البته در انجیل یوحنا بازگشت مسیح، به صورت معنوی است (آستین هاروی، ۱۳۹۰: ۱۸۲)..
- ۶.۱. ج. حضرت عیسی (ع) در بازگشت آخرالزمانی حضور دارند.
- ۷.۱. ج. بازگشت حضرت عیسی در آخرالزمان مؤثر در برپایی حکومت آرمانی و سلطنت الهی است.
- ۸.۱. ج. در این بازگشت، حکومت الهی برقرار و نجات مؤمنان صورت می‌گیرد. «مسیح بار دیگر خواهد آمد تا آنانی را که با صبر و اشتیاق چشم براه او هستند، نجات بخشد» (عبرانیان، ۹: ۲۸).
- ۹.۱. ج. بازگشت و احیای دوباره، مقدم بر رستاخیز است.
- ۱۰.۱. ج. دلایلی نقلی (متنی) بر بازگشت نقلی است.

۲. ج. تفاوت‌ها

- ۱.۲. ج. اعتقاد به این آموزه در غالب جامعه مسیحی پذیرفته شده است ولی در اسلام از مختصات مذهب شیعه است.
- ۲.۲. ج. بازگشت اول عیسی بعد از مرگ جسمانی و روی صلیب صورت گرفته است. و سه روز بعد زنده شده و دوباره مرده است. مسیح برای دوم خواهد آمد.
- اما در قرآن، حضرت عیسی نمرده و عروج او جسمانی و روحانی بوده است «و ما قتلوه یقیناً بل رفعه الله الیه» (نساء/۱۵۸-۱۵۷) علامه طباطبایی در المیزان با توجه به «بل»

اضرابیه در آیه به دفاع از عروج جسمانی و روحانی پرداخته است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۳۹/۵).

۳.۲. ج. در عهد جدید، با احیای دوم مسیح بازگشت خواص (یحیی، متی، ۱۷: ۱۴-۱۰ و حواریون، متی ۱۹: ۲۸) و عمومی است و لی در قرآن بازگشت خصوصی و برخی از صالحان و طالحان را شامل می‌شود.

۴.۲. ج. چهره عیسی در بازگشت دوم همراه با وحشت توصیف شده است (یوحنا، ۱۹). در اسلام این گونه نیست.

۵.۲. ج. عملکرد عیسی در بازگشت دوم، تشکیل حکومت هزار ساله است «با مسیح هزار سال سلطنت خواهند کرد» (مکاشفه، ۲۰: ۶ و ۴). منظور از سلطنت، سلطنت زمینی است. اما در روایات اسلامی عیسی برای یاری کنند موعود و منجی می‌آید (مجلسی، ۱۹۱/۵۲).

۶.۲. ج. عملکرد مسیح در بازگشت دوم «داوری» بر مسیحیان است. در اسلام داوری بر عهده خداوند است.

۷.۲. ج. در عهد جدید بازگشت دوم عیسی، همان «رستاخیز» است «هنگامی که من، مسیح موعود، با شکوه و جلال خود و همراه با تمام فرشتگانم بیایم، آنگاه بر تخت با شکوه خود خواهم نشست. سپس تمام قومهای روی زمین در مقابل من خواهند ایستاد و من ایشان را از هم جدا خواهم کرد. کسانی که طرف راست منند، خواهم گفت بیاید تا شما را در برکاب ملکوت خدا سهیم گردانم..... سپس به کسانی که در طرف چپ من قرار دارند خواهم گفت ای لعنت شده‌ها از اینجا بروید و به آتش ابدی داخل شوید» (متی، ۱۵: ۴۱-۳۱) و (متی، ۱۹: ۲۸).

لازم به ذکر که در عهد جدید با بازگشت دوم عیسی، دو رستاخیز گزارش شده است. رستاخیز خواص و دیگری رستاخیز عمومی است. اما در قرآن، بازگشت عیسی نشانه و مقدمه قیامت است (زخرف/۶۱).

اما در اسلام این گونه نیست. همانطور که قبلاً بیان شد بین بازگشت و قیامت تفاوت‌هایی وجود دارد.

۸.۲. ج. بازگشت دوم مسیح، همان پایان جهان هستی است. یکی از الهیدان کاتولیک نوشته «در پایان جهان، مسیح پیروزمندانه به عنوان **داور** همه انسان‌ها و فرشتگان دوباره خواهد آمد. این همان رجعت و داوری‌ای است که مسیح بسیاری از اوقات با حواریان خود درباره آن سخن گفته است. این عقیده جزء ثابت سنت کاتولیک است» (برانتل، ۱۳۸۱: ۲۷۶-۲۷۴). در اسلام بعد از رجعت با «سور اسرافیل» پایان جهان صورت می‌گیرد.

۹.۲. ج. سرنوشت شیطان در عهد جدید زندانی شدن به مدت هزار سال است و دوباره برای چند لحظه آزاد می‌شود. در صورتی که در روایات اسلامی شیطان کشته می‌شود.

نتیجه گیری

اعتقاد به بازگشت و احیای دوباره عده‌ای از صالحان و طالحان به دنیا، بعد از قیام حضرت مهدی (ع) و قبل از قیامت کبری از مختصات مذهب شیعه و ادعای اجماع بر آن شده است. در این خصوص با استفاده از حجیت ظهور الفاظ نزد عرف و عقلا به بررسی برخی آیات قرآن مجید (نمل/ ۸۳، انبیاء/ ۹۵، نساء/ ۱۵۹ و زخرف/ ۶۱، بقره ۵۵-۵۶ و بقره ۲۴۲) پرداخته شد. و مشخص شد که اعتقاد به آن منطبق بر آیات مربوط به موضوع است. هم چنین از نظر قرآنی این اعتقاد دارای اهداف تربیتی، سیاسی و... است. و این اعتقاد شیعیان موجب پذیرش تناسخ و نفی معاد نمی‌گردد. علاوه بر این دلالت ادله قرآنی در تقویت روایات این باب بوده و جبران ضعف‌های احتمالی سندی و دلالی روایات دارد. هم چنین اعتقاد به بازگشت دوباره مسیح در آخرالزمان براساس متن عهد جدید و دو اعتقادنامه مهم رسولان و نقیه بوده است. این اعتقاد دارای اهداف تربیتی و سیاسی است. گرچه برخی الهیدانان مسیحی مانند جان هیک به متون حاکی از آنها مناقشه دارند. در این مقاله مقایسه بازگشت آخرالزمانی در هر دو کتاب صورت گرفت و به اشتراکات و تفاوت‌های بین دو کتاب اشاره گردید.

فهرست منابع

- قرآن مجید، (۱۳۸۸) ترجمه سید محمد حسین طباطبایی، دفتر نشر معارف.
- کتاب مقدس ترجمه قدیم، (۱۹۹۹) انتشارات ایلام چاپ نخست (۱۹۹۶) و چاپ دوم.
- انجیل برنابا، (۱۹۰۸م) ترجمه خلیل سعاده، قاهره، دارالبشیر، مطبعه المنار.
۱. ادی، ویلیام (۱۹۷۳م)، الكنز الجلیل فی تفسیر الانجیل، مجمع الكنائس فی شرق الادنی، بیروت.
 ۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (ه. ۱۴۱۴) لسان العرب، دارالفکر، لبنان - بیروت.
 ۳. اف، ئی، پیترز (۱۳۸۴) یهودیت، مسیحیت و اسلام، ترجمه حسین توفیقی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
 ۴. الاحمد، امین، عبادی، عبدالصمد و طه حسین (ه. ۱۳۴۷)، فجر الاسلام، مکتبه النهضه المصریه، القاهره.
 ۵. آستین هاروی، ون (۱۳۹۰) فرهنگ الهیات مسیحی، مترجم جواد طاهری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
 ۶. انس الامیرکانی، جیمز (م. ۱۸۹۰)، نظام التعلیم فی علم اللاهوت القویم، مطبعه الامیرکان، الطبعة الثانية.
 ۷. آلوسی، محمود بن عبدالله (ه. ۱۴۱۵)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثالی، محقق علی عبدالباری عطیه، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، لبنان - بیروت.
 ۸. برانتل، جورج (۱۳۸۱)، آیین کاتولیک، ترجمه حسن قنبری، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم.
 ۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر (ه. ۱۴۱۸)، انوار التنزیل و اسرار التأویل، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
 ۱۰. جان هیک (۱۳۸۵)، ابهام‌ها ایمان مرا سست نکرد، ترجمه محمد میرزاخانی، مجله نظر، سال چهارم، شماره ۳ و ۴.

۱۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴)، معرفت‌شناسی در قرآن، محقق حمید پارسانیا، انتشارات اسراء، چاپ سوم.
۱۲. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷هـ) الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التأویل، مصحح حسین احمد، مصطفی، دار الکتبای العربی، لبنان- بیروت.
۱۳. شریف مرتضی (۱۴۰۵ق)، رسائل الشریف المرتضی، دار القرآن الکریم، قم.
۱۴. شیخ طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، احیاء التراث العربی- بیروت.
۱۵. شیخ المفید، محمد (۱۴۱۴ق)، اوائل المقالات، دار المفید للطباعة و النشر و التوزیع بیروت. لبنان .
۱۶. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰هـ) تفسیر المیزان، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، لبنان - بیروت.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران.
۱۸. عبدالباری، فرج‌الله (۲۰۰۴م) یوم‌القیامه بین الاسلام و المسیحیه و اليهودیه، الافاق العربیه، چاپ اولی.
۱۹. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۴هـق) الاربعین فی اصول‌الدین، محقق سقا احمد حجاری، دارالجمیل - بیروت - لبنان.
۲۰. فیومی، احمد بن محمد بن علی المغری (۱۴۱۴ق)، مصباح المنیر، کتاب‌الراء،
۲۱. قمی، محمد ابراهیم (۱۳۶۳)، تفسیر القمی، محقق موسوی جزایری، طیب، قم. چاپ سوم.
۲۲. قریشی بنابی، علی اکبر (۱۴۱۲ق)، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۲۳. قشیری نیشابوری، مسلم (بی‌تا) الصحیح، دارالفکر، بیروت.
۲۴. کورانی، علی (۱۳۸۹)، عصر ظهور، مترجم مهدی حق، شرکت چاپ و نشر بین الملل

۲۵. مجلسی، محمد باقر (۱۹۸۳ م.) بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی
۲۶. مظفر، محمد رضا (۱۴۲۹ هـ.)، عقاید الامامیه، انتشارات انصاریان، قم
۲۷. معین، محمد و شهیدی، جعفر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، ج ۸، مؤسسه و چاپ دانشگاه تهران. تهران.
۲۸. مک گراث، ایستر (۱۳۸۴)، الهیات مسیحی، ترجمه بهروز حدادی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب .
۲۹. هنری تیسن (بی تا)، الهیات مسیحی، ترجمه طاووس میکائیلیان، انتشارات حیات ابدی، تهران.